

موزه‌ها و نگارخانه‌های مدرن

نگاهی کوتاه به روش مدیریت، طراحی و دسترسی به موزه‌ها

دکتر فاطمه کاتب

طراحی

موزه‌ها و نگارخانه‌ها تا حدی تداعی‌کننده روش جامعه معاصر هستند که پیوند زدن تاریخ، فرهنگ، و میراث را به هم در زندگی کنونی برگزیده است، بنابراین انعکاس خصوصیات و ارزش‌های امروزی هستند.

در گذشته، موزه‌ها و نگارخانه‌ها همچون خدمات شهری در شهرهای بزرگ به همت بانیان شهرها به عنوان یکی از امکانات شهری نظیر مسکن، مدارس، کتابخانه‌ها، حمام‌های عمومی، و غیره برای مردم ایجاد می‌شدند. آنها یک سبک معماری را که حکایت از قدرت و سلطه داشت به کار گرفتند تا با سایر ساختمان‌های دولتی و کاخ‌های قبل از آنها هماهنگی داشته باشد. سرگرم بزرگ ساختمان هنرهای زیبا و فضاهای داخلی به نوعی طراحی شدند که احساسی از هیبت و شکوه و اهمیت و قدرت را انتقال دهند.

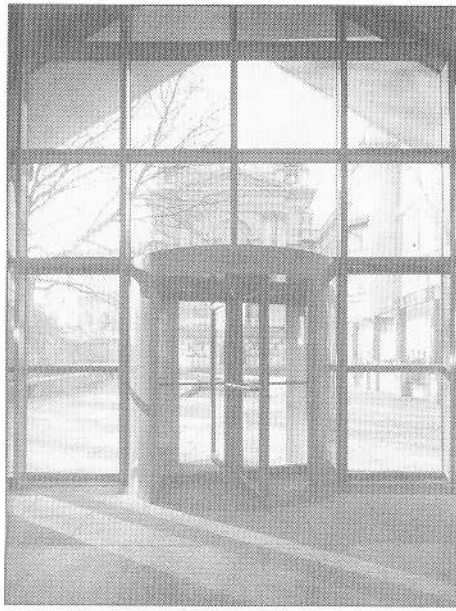
این نوع ساختمان‌ها را می‌توان هنوز در شهرهایی در انگلستان و اروپا پیدا کرد. اغلب این ساختمان‌ها در «قلب» مرکز تمدن نوزدهم نزدیک تالار مرکزی شهر و خانه‌های دولتی قرار دارند و هم‌اکنون در زمره آثار ثبت شده حراست می‌شوند. تعدادی از این ساختمان‌ها مطابق معیارهای امروزی هستند و بسیاری از آنها هم نمایانگر خلاقیت معماران مدرن به شمار می‌روند. کاخ هنرهای زیبای شهر لیل اثر ایوس و ویتاری و ساختمان ضمیمه تالار کلور در تیت‌گالری لندن اثر جیمز استرلینگ و مایکل ویلفورد دو نمونه از این دست هستند. به هر حال معماران نباید به دنبال تقلید و مشابه‌سازی بناها باشند، بلکه باید توانایی خود را برای هماهنگ کردن قدرت و استحکام ساختمان‌های قدیمی با قواعد و مصالح مدرن به کار گیرند. معیارها و تشریفات قدیمی دیگر منسوخ شده‌اند

مقدمه

طی دو دهه اخیر، پیشرفت عظیمی در توسعه موزه‌ها و نگارخانه‌های مدرن سراسر جهان روی داده است. این امر دلایل بسیار دارد که مهم‌ترین آنها بروز تغییرات در طبیعت ارتباطات بین مردم است — بین میراث آنان و فرهنگشان. اکنون میراث یک قوم نه تنها آنچه را که «هنر» و «باستان‌شناسی» تعبیر می‌شود در بر می‌گیرد، بلکه گونه‌های بی‌شماری از ابزارهای مورد استفاده روزانه و تصاویری را شامل می‌شود که می‌توان دوران خاصی از اجتماع، فرهنگ، و رفتار تاریخی یک قوم را در آنها مجسم و مشاهده کرد.

همچنین در دوره‌های اخیر اعتراضات فزاینده‌ای به دیدگاه نخبه‌گرایی تاریخی به وجود آمده است، یعنی دیدگاهی که در آن پیشرفت جوامع عادی نادیده گرفته می‌شود و در مقابل، ملل بزرگ و اقوام و وقایع بین‌المللی مورد توجه قرار می‌گیرند. در حالی که تمامی جنبه‌ها و گونه‌های زندگی می‌توانند همچون بخشی از فرهنگ در نظر گرفته شوند. یک کارشناس به نام کاتر فی دون زل می‌گوید: «تمامی فعالیت‌های ما و تمامی آثار ناشی از خلاقیت‌های ما متکی به توجه ما هستند». از این رو موزه‌ها و نگارخانه‌های مدرن برای پاسخگویی این نیاز جدید ظاهر شده‌اند و موزه‌های موجود به خاطر در نظر نگرفتن علایق مردم در معرض انتقاد قرار گرفته‌اند. چنان‌که اخیراً یک کارمند ارشد موزه ویکتور و آلبرت شهر لندن در مورد این بخش از گفته‌اش که موزه «... یک بازارچه کهن، مملو از اشیای مختلف است اما کسی نمی‌داند چه هستند». مورد بازخواست قرار گرفت.

اکنون رسم بر این است که مجموعه‌ای را در یک موزه یا نگارخانه برای دستیابی به ارائه متجانس اشیاء محور قرار می‌دهند. این روش ممکن است یک کارگزينشی به حساب آید، اما در عین حال نوعی احساس همبستگی را که متصدی موزه موجب آن شده است به دست می‌دهد و پیام روشن و معینی را می‌رساند که ممکن است یک پیام جغرافیایی خاص از یک موزه تاریخی محلی باشد یا موضوعی خاص از یک موزه جواهرات. این موضوعات محدود هستند و تقریباً بستگی به جدیت، منابع خاص اجتماعی، و مسئول موزه دارند. این توسعه بالقوه نقش‌ها و کارکردها منجر به افزایش سرسام‌آور ساختمان موزه‌ها می‌شود به حدی که ممکن است در آینده عصر موزه‌ها مشهورتر از قرون دوازدهم و سیزدهم که عصر کلیساها نامیده می‌شد، بشود.

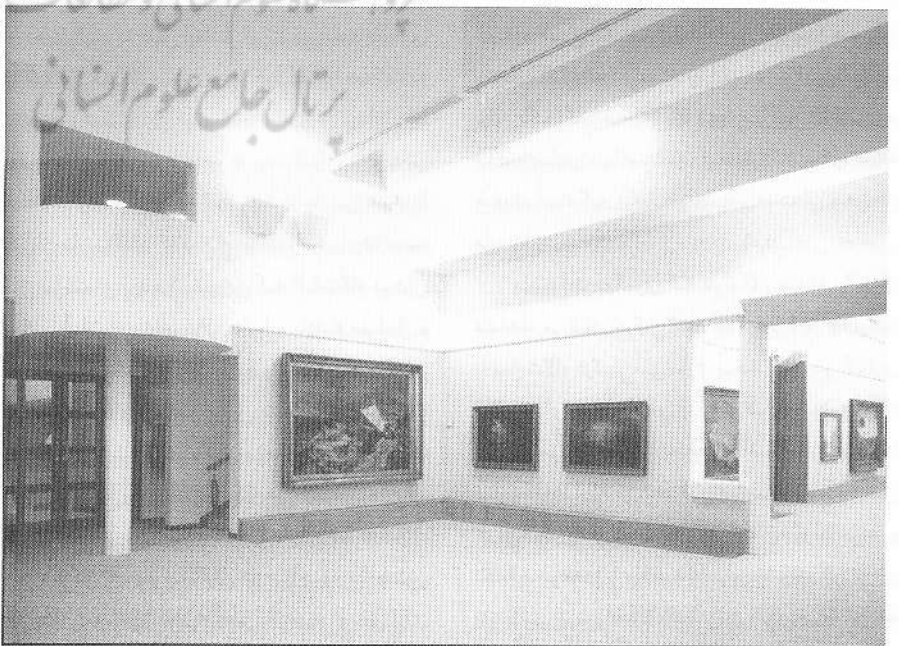
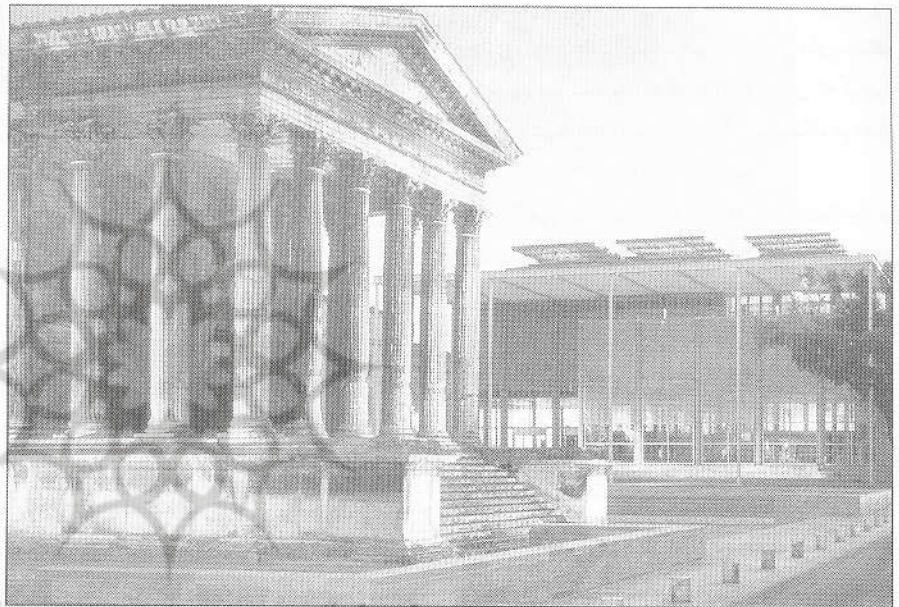


و ساختمان‌های جدید امکانات نمایشی پیچیده و مدرن را بدون شکوه و هیبت موزه‌های قدیمی ارائه می‌دهند.

ساختمان‌های جدیدی نیز برای موزه‌ها و گالری‌ها ساخته شده‌اند که معماران با روش‌های چشمگیر آنها را با شهرهای قدیمی ربط داده‌اند. نمونه جالبی که اخیراً به اتمام رسیده تالار هنری والسال است که برای شهر کوچک میدلندز در انگلیس به همت معماری به نام کاروزو سنت جان طراحی شده است. آرامش این نگارخانه، شکل اقلیمی معقول و هندسی آن همراه با درهم‌پیچیدگی آن، جزئیات و به کارگیری رنگ و مواد، این ساختمان را به طور مشخص از ساختمان‌های آجر قرمزی و سنگی شهر متمایز کرده است.

این ساختمان در محلی جای گرفته است که مشکل دهلیز فاضلاب را که در این نقطه تقریباً به مرکز شهر می‌رسد، حل کند. محله واسط نمادینی بین مرکز شلوغ تجاری شهر و شبکه تاریخی کانال‌های آن است که در قرن گذشته موجب رشد تجارت شهر شد و توسعه حومه شهر را به دنبال داشت.

نمونه دیگری از توجه خاص معمار به محتوای ساختمان موزه مربع هنری شهر نیز است که به همت نورمن فاستر و شرکایش ساخته شده است. این تصمیم بسیار متهورانه‌ای بود که در نتیجه آن نگارخانه فاستر در مقابل مشهورترین اثر تاریخی روم (باستان) در شهر نیم، یعنی موزه مزون کاره قرار داده شد. انتخاب نمای سراسر شیشه‌ای در مقابل موزه مزون کاره از طرف معماران، اعتراضی بود به جمود معماری کلاسیک روم باستان. در این ساختمان فقط مقیاس‌ها تکرار شده‌اند و عدم تناسب‌ها، تناقضاتی نظیر زیادی بیش از اندازه ستون‌ها در موزه مزون کاره به وجود





به وجود آوردن نمایشگاهی با حداکثر بهره‌گیری است. به ندرت می‌توان ساختمانی قدیمی را با فن‌آوری‌های جدید نظیر نورپردازی، دستگاه‌های واریسی محیطی، و غیره مجهز ساخت. با وجود این که این تجهیزات برای دستیابی به موقعیت مطلوب نمایشگاه حیاتی محسوب می‌شوند. نبوغ معماران باید برای خلق نمایشگاهی متمرکز شود که بتواند بین مشخصه‌های موجود نظیر پنجره‌ها، نماها، نسبت‌ها، مشخصه‌های تزئینی و غیره با آنچه از نورپردازی مصنوعی حاصل می‌شود، توازنی برقرار سازد. در کاستلودی ریولی این مهارت به غایت دیده می‌شود، تا آن‌جا که تضاد شدید بین فضای وسیع داخل کاخ و نمایشگاه مدعی نوگرایی گاهی تکان‌دهنده است.

نگرانی در وقتی است که نتیجه خلاقیت معمار در ساختمان بر نمایشگاه غالب شود. مثال این مورد، موزه هنرهای محلی مایر در فرانکفورت است. نمای مشبک فلزی این بنا با شکل منسجم آن با شکل‌های مختلف و متنوع نمایشگاه‌ها تضاد دارد، به طوری که کاربرد نمای مشبک فلزی با عوامل دیگر نمایشگاه در تضاد قرار گرفته و از ارزش آن کاسته است.

گاهی هم ساختمان‌ها و هم نمایشگاه‌ها در تعارض با یکدیگر قرار می‌گیرند نظیر موزه فرانک لوید رایت در نیویورک و موزه گوگن‌هایم‌نو در بیلباتو. این دو ساختمان شاخص زمان خود هستند. هر دو بنا از آثار هنری معماری و محلی برای نمایش کارهای هنری هستند.

دسترسی

میراث و فرهنگ از تعلق مردم به شمار می‌روند بنابراین کسانی که امانتدار میراث و فرهنگ مردم هستند موظفند که تا حد ممکن آنها را در دسترس عموم قرار دهند. البته این موضوع همیشه جنجال‌برانگیز بوده است، زیرا به ندرت این امکان برای یک نگارخانه یا موزه مهیا می‌شود. از این رو، ذخیره‌سازی با سیاست نمایش‌گزینه‌ای پیوند خورده است که به نظر تنها راه عملی به نظر می‌رسد.

پیشرفت دیگری که در تالار مدرن والسال مشاهده می‌شود، حرکتی است که مردم را هر چه بیشتر با نمایشگاه درگیر می‌سازد. بخشی از این گالری فعالیت‌های فوق‌العاده‌ای با روش‌های متنوع برای تشویق مردم، خصوصاً بچه‌ها، و آشنا کردن آنان با نمایشگاه‌ها ارائه می‌دهد. این فعالیت‌ها شامل «لمس کردن» مدل‌های مجسمه‌ها و قطعاتی از نقاشی‌ها و نقشه محوطه‌ها و موقعیت‌ها برای تشویق خردسالان به نقاشی کردن است. والدین نیز برای پیوستن به

آورده‌اند. دیوار شیشه‌ای نیز در جایی تدارک دیده شده که دائماً یادآور مجاورت آن با روزگار باستان باشد که در واقع خود نوعی «نمایش» در گالری جدید به شمار می‌رود.

شاید بیشترین دغدغه معماران تبدیل ساختمان‌های تاریخی موجود، به موزه یا نگارخانه‌های جدید باشد بدون آن که فضایی از بیرون به آنها بیفزایند. دو نمونه خیره‌کننده از این دست کاستلودی ریولی ساخته آندرتا برونو و تالار هنرهای مدرن تیت جدید در لندن ساخته هرزوک و دو مورون هستند. ساختمان دوم هنوز کامل نشده است اما با تصمیم به تبدیل نیروگاه برق در جنوب لندن به موزه، تضاد عملکردی بین جایگاه صنعتی و جایگاه فرهنگی پدید آورده‌اند. البته به دلیل ابعادش و نیز به سبب معماری سنگینش، مشکل بتوان تصور کرد که مراجعه‌کننده دائماً بین گذشته این بنا و کاربرد امروزی آن ارتباط برقرار نکنند. این مورد یادآور طبیعت‌گذرای کل زندگی است. تجربه دیگر شبیه این مورد در پاریس در موزه خیابان دورسه است که قبلاً ایستگاه راه‌آهن بوده است.

ساختمان برونو در تورین که اقامتگاه مجلل ویکتور آمادیوس دوم، دوک ساووا و پادشاه سیسیل و ساردنیا بوده است، در قرن دوازدهم ساخته شده و اکنون به موزه هنرهای معاصر تبدیل شده است. مجاورت زیرکانه جزئیات طراحی مدرن و نمایش‌های نامتعارف نوین همراه با وفور نقش و نگار در تزئینات داخلی ظاهراً از تنش بین اشرافیت و مردم بهره‌جسته است. مشکل عموم معماران در مواجهه با چنین طرح‌هایی، دستیابی به محیطی طبیعی و آرمانی برای

موضوع یکی از مباحث سنتی در انگلیس است که برای موزه‌ها و گالری‌ها ورودیه دریافت نمی‌شد. البته همیشه هم این طور نیست، در حالی که موزه ویکتور و آلبرت بزرگ‌ترین موزه انگلیس دچار این مشکل بود، موزه بریتانیا، یعنی معتبرترین موزه انگلیس این مشکل را نداشت. تصمیم به اخذ ورودیه اخیراً به دلیل افزایش سریع هزینه‌های نگهداری اشیای دست‌ساز نمایشگاه‌ها اتخاذ شده است که در حال حاضر با پیشرفت وسایل فنی و افزایش معیارهای بالا از سوی مسئولان موزه‌ها تقاضا می‌شود.

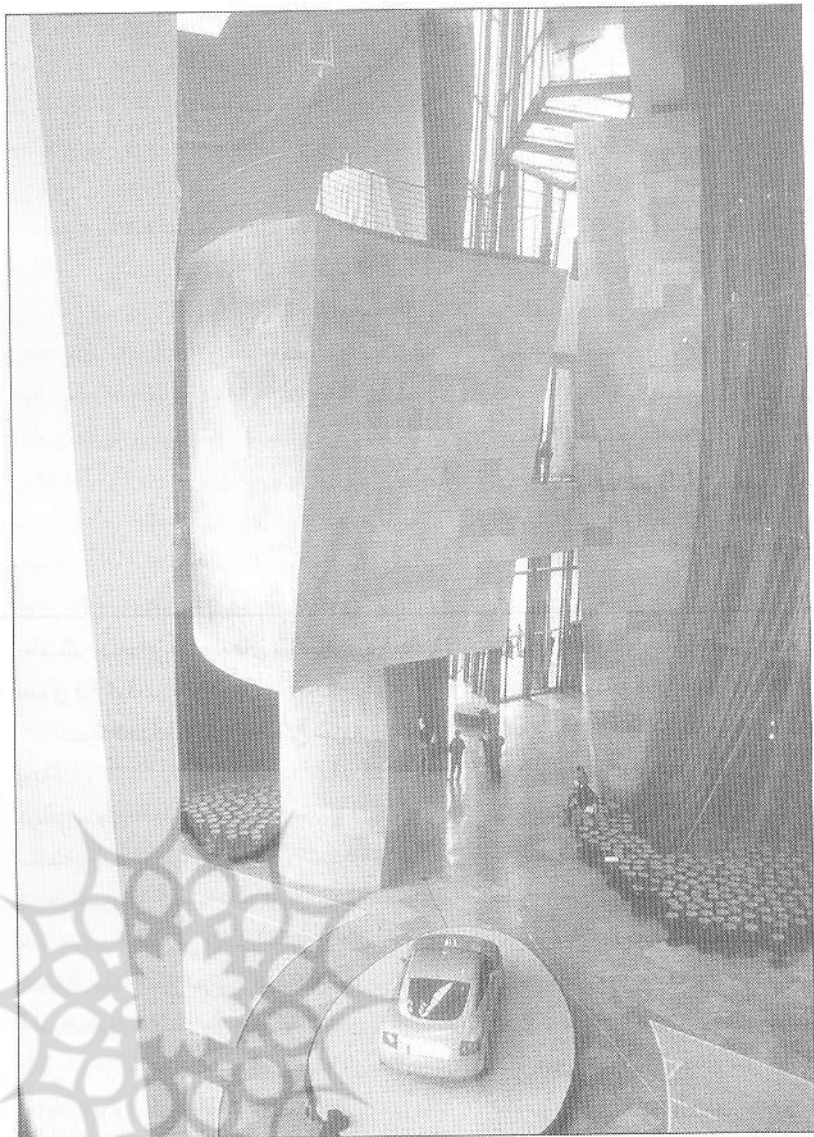
مطلب مورد منازعه به دو صورت مطرح می‌شود: (۱) سیاستی که خواستار افزایش دسترسی عموم مردم به چنین ساختمان‌ها است. (۲) یافتن منابع مالی برای نگهداری و آماده‌سازی نمایشگاه‌ها در بهترین شرایط کیفی با توجه به هزینه‌های تصاعدی آنها. امکان دارد که این بحث‌ها سال‌ها به قوت خود باقی بمانند. در هر حال شواهد حاکی از آن هستند که وضع ورودیه کم، مانع از بی‌میلی دیدارکنندگان موزه‌ها نمی‌شود به خصوص اگر این ورودیه با سیاست پاسخ به خواست عموم برای جنبه‌های دیگری از دسترسی به نمایشگاه‌ها ارتباط داشته باشد.

نتیجه

در اظهارات اخیر دولت انگلیس، به روشنی پیش‌بینی شده بود که در آینده موزه‌ها باید بیشتر در دسترس مردم قرار گیرند و به مدیران متخصص سپرده شوند، مدیرانی که قادر باشند موزه‌ها را در حد جهانی پر جاذبه سازند. از این اظهارات می‌توان دریافت که علاوه بر طراحی، دسترسی، و مدیریت موزه‌ها و گالری‌ها، توانایی مدیران در برنامه‌ریزی موزه‌ها برای دستیابی به یک موقعیت جهانی از ضروریات است. این مطالب گواه این نکته‌اند که چنین ساختمان‌هایی می‌توانند تولیدکننده صنعت پراهمیت توریسم باشند و این مهم به دلیل هزینه‌های رو به افزایش آنها، بی‌ارتباط با مشکلات رو به تزاید پیش روی دولت‌های ملی و محلی نیست. محاسبات نشان می‌دهند که موزه جدید گوگن‌هایم در بیل‌بائو در کمتر از ده سال فقط از محل افزایش درآمد صنایع وابسته به صنعت توریسم - چه محلی و چه ملی - هزینه‌های خود را تأمین کرده است.

منابع

- 1) Donzel, Catherine *New Museums* Telleri, Paris 1998.
- 2) Article in *Sunday Times* by Richard Brooks. 9th April 2000.
- 3) Article as above. 18th April 2000.



بازدیدکنندگان بیشتر که به طور منظم از موزه‌ها دیدار می‌کنند فراهم می‌آورد. تبادلات بین موزه‌ها و نگارخانه‌ها نیز روشی مطمئن برای ایجاد تنوع در نمایشگاه‌ها مهیا می‌سازد.

درآمد بسیاری از موزه‌ها و نگارخانه‌ها از مالیات‌دهنده‌ها و شرکت‌های بزرگ و اخیراً از راه بخت‌آزمایی تأمین می‌شود. مدیریت موزه‌ها همواره خود را درگیر موضوع پول‌های ارسالی می‌یابد و این که نمایشگاه تا چه حد می‌تواند پاسخگوی خواست عمومی باشد. من معتقدم که این موضوعات، همچنان دغدغه همیشگی موزه‌ها و نگارخانه‌ها خواهند بود، به خصوص اگر مدیران موزه‌ها و گالری‌ها بخواهند در جست‌وجوی روش‌هایی برای دخالت دادن عموم مردم در فعالیت‌های خود باشند. در هر حال نیروی زیادی که در چنین مسائلی جنجالی تولید می‌شود، جوهر ارتباطات است که در نتیجه دخالت اجتماع حاصل می‌شود.

موضوع بحث‌انگیز دیگر گرفتن ورودیه است. این

بچه‌هاشان دعوت می‌شوند و موقعیتی برای فعالیت خانوادگی به وجود می‌آید. گروه‌های مدرسه‌ای هم تشویق می‌شوند و امکاناتی شامل اتاق‌ها و فضاهای قابل دسترس برای این منظور تهیه می‌شوند. همه اینها ناشی از یک روش و سیاست معقول نسبت به موزه‌ها و گالری‌هایی است که از لحاظ فرهنگی به اصطلاح «دمکراتیک» شده‌اند و به پندارهای گذشته در مورد موزه‌ها خاتمه داده‌اند؛ در گذشته موزه‌ها را انبارهایی غبار گرفته با فرهنگی برتر در دل ساختمان‌های بزرگ دل‌تنگ‌کننده می‌پنداشتند که افراد یونیفرم‌پوش از آنها مراقبت می‌کردند.

مدیریت

نیاز به حصول اطمینان از ادامه سرزندگی و ارتباط یک موزه، عامل مؤثر سیاست دایمی مدیریت موزه‌هاست. معمولاً ابداع روش‌های نمایشی، موقعیتی را برای جذب علاقه‌مندی گروه‌ها به موزه‌ها به وجود می‌آورد، ضمن این که فرصتی را برای